

دختران آچار به دست!

روایتی جذاب از شغل ۳ بانوی مکانیک جوان و چالش‌های متفاوتی که با آن‌ها روبه‌رو شده‌اند



در کشور ما انتخاب برخی شغل‌ها مثل مکانیکی برای خانم‌ها اصلا متداول نیست؛

اما چند خانم ایرانی این حرفه را به عنوان شغل برای خود انتخاب کرده‌اند. این بانوان نه تنها هیچ تردیدی ندارند که انتخاب شغل‌شان غیر عادی نیست بلکه ادعا می‌کنند شغلی مثل مکانیکی برای خانم‌ها و تعمیر خودرو توسط آن‌ها، انتخاب بسیار عاقلانه‌ای است چرا که آن‌ها در مراقبت و تعمیر خودروها و سواس و دقت بیشتری دارند که ادعای قابل تأملی است. به تازگی تصویری از اولین زن مکانیک در تبریز منتشر شده که علاوه بر چندین سایت و خبرگزاری، فضای مجازی هم به آن واکنش نشان داده است. سال گذشته هم دو دختر مکانیک به نام‌های «نیلوفر فرهمند» و «کیانا یاراحمدی» در برنامه «فرمول یک» با اجرای «علی ضیاء» حاضر شدند و گفتند که شغلی را انتخاب کرده‌اند که پیش از این کمتر زنی دست کم در کشور مان سرافش رفته است. در پرونده امروز زندگی‌سلام، گفت‌وگوی صمیمانه‌ای با این سه بانو داریم که از جنبه‌های متفاوت انتخاب‌شان می‌گویند و چالش‌هایی که با آن دست و پنجه نرم کرده‌اند.



بیشتر مشتری‌هایم خانم هستند

«ژیلآ قهرمانیه»، با مدرک کار دانی کامپیوتر، ۲ سال است که بر حسب علاقه به شغل مکانیکی اشتغال دار

مه‌دیس مرادیان | خبرنگار

از آن روز‌ها که خانمی با پنچر شدن لاستیک خودرواش کنار خیابان منتظر دست یاری رسان مردی می‌ماند، خیلی دور نشدیم اما امروز می‌بینیم که اولین بانوی مکانیک شمال غرب کشور در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است. باو تماس می‌گیرم، ساعت نزدیک ۱۲ با امداد است و بوق ممتد گوشی در سکوت شب انتظار می‌شمارد. صدای آرام و خسته‌اش از روز پر کارش خبر می‌دهد. «ژیلآ قهرمانیه»، ساکن تبریز است. او تحصیلاتش را تا مقطع فوق دیپلم در رشته کامپیوتر و اطلاعات بانک ادامه داده‌است. دوسال است که در حرفه مکانیکی مشغول به کار شده و به سفر تا صد خودروها از جمله جلوبندی و موتور و گیربکس احاطه دارد. در ادامه گفت‌وگوی ما را با او خواهید خواند.

۲۸ سالگی وارد این حرفه شدم

اولین خانم مکانیک در تبریز، هدف بلند مدتش از فعالیت در این حرفه را کسب مهارت در زمینه برق خودرو بیان می‌کند و در باره دلایل انتخاب این شغل می‌افزاید: «از کودکی بیشتر به بازی‌های پسرانه مثل دوچرخه‌سواری، موتورسواری و تعمیرات خودرو علاقه‌مند بودم. بیشتر با برادرم وقت می‌گذراندم و در پاسخ به سوال می‌خواهی چه کاره بشوی، همیشه می‌گفتم مکانیک. بااین که ۲۸ سالگی کمی

دیر بود اما دل در باره یاددم و سراغ این شغل رفتم.»

این شغل بر پایه کسب تجربه و مهارت است
«قهرمانیه» در باره ویژگی‌های شغل اش و افرادی که در آن مشغول به کار هستند، می‌گوید: «مکانیک بودن نیازمند فعالیت مداوم جسمی و فکری است. همان‌طور که در زمان مراجعه بیمار به پزشک، تشخیص اولیه بیماری اهمیت دارد، در تعمیر خودرو هم تشخیص این موضوع که عملکرد نادرست خودرو به کدام قسمت آن مربوط می‌شود، مهم است. بعد از آن من و همکارانم دست به‌آچار می‌شویم و مشکل را حل می‌کنیم. بیشتر همکاران مکانیک ام، سواد و تحصیلات آکادمیک ندارند اما در کارشان حرفه‌ای عمل می‌کنند چرا که مبنای اصلی این شغل بر پایه کسب تجربه و مهارت است و چنانچه افراد در کنارش مطالعه هم داشته باشند و هنر و تجربه را با مدت‌روز هماهنگ کنند، زمینه برای پیشرفت‌شان مهیا می‌شود.»

مادرم با دیدن دست‌های روغنی‌ام، ناراحت می‌شد

«خانم‌های ایرانی در چنین مسیرهایی با مخالفت‌های زیادی روبه‌رو خواهند شد، همان‌طور که من از سوی مادرم منع شدم اما هدفم را بدست کار کردن نشان دادم و اعتمادشان را جلب کردم» او با این مقدمه می‌گوید: «مادرم وقتی دست و صورت سیاه و روغنی‌ام را می‌دید و به خاطر خستگی زیادی که به دلیل دوری مسیر

تحمل می‌کردم، ناراحت می‌شد. از طرفی فشارهای جسمی مثل بلند کردن تایلر خودرویی مثل لکسوز فشار زیادی به من وارد می‌کند. بااین حال از کودکی به دنبال انتخاب شغلی بودم که به آن علاقه‌مند باشم، از آن کسب درآمد کنم و تا آخر عمر کاری‌ام جای پیشرفت داشته باشد و خوشحالم که الان به هدفم رسیدم.»

بعد از عید کلاس آموزشی می‌گذارم

قهرمانیه در باره واکنش‌های دیگران به انتخاب این شغل هم می‌گوید: «بیشتر مشتریان من خانم‌ها هستند و با اشتیاق و کنجکاوی غیر قابل وصفی از من درباره کارم می‌پرسند. تصمیم



دارم بعد از عید، کلاس‌های آموزشی عملی را برای بانوان عزیز ترتیب دهم تا دست به آچار شدن را تجربه کنند و به این‌بابور برسند که توانایی‌هایشان را در زمینه‌های مختلف به‌چالش بکشند.»

می‌گفتند یک هفته هم در این کار دوام نمی‌آورم

او که در امداد خودروی تبریز فعالیت دارد، درباره اولین باری که به تعمیرگاه برای پیدا کردن کار رفته، می‌گوید: «زمانی که به تعمیرگاه رفتم و خواسته‌ام را بیان کردم، به انتخاب ایمان داشتم و با اعتماد به نفس در مقابل تمام‌ام‌ا و اگر‌هایی که شنیدم ایستادم. زمانی که با درخواستم موافقت شد، همکارانم گفته بودند که این خانم به یک هفته نرسیده، از این جافرا می‌کند. رفتن هم نه‌فرا! اما به مرور از فرزند بودن و روحیه خستگی ناپذیرم خوش‌شان‌امد.»

سعی می‌کنم محیط خانه شاد باشد

این دختر مکانیک درباره افرادی که در این مسیر حمایت‌اش کردند، می‌گوید: «راستش من مشکل زانو دارم. زمانی که برای درمان‌ز انویم به پزشک مراجعه کردم، این تصمیم ام را با او در میان گذاشتم. هنگامی که داشت بر ایم دارو می‌نوشت، یکهو سرش را بالا آورد و گفت که شوخی می‌کنی؟ وقتی دیدم مسمم شده‌ام، اه‌کارهایی جلوی پایم گذاشت و گفت وارد هر تعمیرگاهی نشو و به محیط دقت کن، شخصیت استادامدنظر بگیر و بااین صحبت‌ها، موجی از اعتماد به نفس را به‌قلبم سرازیر کرد. در ضمن، خواهرم، پدرم و همسر هم از من حمایت کردند و با خستگی‌های من ساختند. من خانم خانم‌ام، روحیه شادی دارم و مانند هر زن خانه‌داری سعی می‌کنم محیط خانه‌ام را گرم و صمیمی کنم. همسر همکار من نیست اما درک بالایی از شغل من دارد، با خستگی‌هایم می‌سازد و حمایتش را قطع نمی‌کند. من در روز ۱۱ ساعت سرکار هستم.»

هم تشویق شدم و هم مورد انتقاد قرار گرفتم

«نظرات مردم درباره من در فضای مجازی سرشار از محبت‌است و تعدادی از همشهری‌هایم برای حمایت از من به تعمیرگاه مراجعه می‌کنند و به من انگیزه می‌دهند.» قهرمانیه با این صحبت‌ها ادامه می‌دهد: «البته برخی از افراد هم با شوخی‌های سخیف یا سخنان سطحی من را مورد انتقاد قرار می‌دهند. من این شغل را در سکوت و تنهایی انتخاب کردم و هیچ‌وقت منتظر تشویق و تایید افراد نبودم که حالا با انتقادها یا نظرات منفی جامعه دست از کار بکشم. هیچ عکس‌العملی به این رفتار هانشان نمی‌دهم و کل انرژی‌ام را معطوف هدفم می‌کنم.»

فاطمه قاسمی | خبرنگار

«نیلوفر فرهمند» دانش‌آموخته رشته گرافیک و کیانا یاراحمدی با مدرک کارشناسی حقوق هر دو ۳۰ ساله باهمین رشته‌های تحصیلی نامرتبط، چند وقتی است که در گاراژی در تهران مشغول کارند و از دنیای معمول دیگر زنان همسن و سال‌شان فاصله گرفته‌اند. هشت سال پیش پس از آشنایی، هر دو به علاقه مشترک‌شان در کارهای فنی خانگی و تعمیرات خودرو پی بردند که زمینه‌ساز این تصمیم‌بزرگ‌شد. نیلوفر می‌گوید: «مدت‌ها فکر و ذکر مان این بود که یک کار مشترک انجام بدهیم ولی از آن جایی که رشته‌های تحصیلی ما متفاوت بود دقیقاً نمی‌دانستیم باید چه کاری انجام دهیم. تا این که یک روز خودرویم خراب شد و به پیشنهاد «کیانا» اسرار گاراژ علی‌آقای هامونی، تعمیر کار ۱۵ ساله خانوادگی کیانا در آوردم تا این لحظه ماندنی شدم.» کیانا داستان مکانیک شدن‌شان را این‌طور تعریف می‌کند: «نیلوفر بعد از رفتن به آن‌جا از علی‌آقا خواهش می‌کند که تا زمان رفع مشکل خودرواش، بالای سر خودرو باشد که چیزهایی را هم یاد بگیرد و او هم موافقت می‌کند. بعد از این ماجرا، نیلوفر با جلب موافقت علی‌آقا یک ماهی را اولین به‌تنهایی به گاراژ می‌رفت تا این که کیانا هم به‌او ملحق می‌شود.

در ادامه گفت‌وگویی را که مدتی قبل با این دو داشتیم، می‌خوانید:

پشتیبانی خانواده، دلگرمی بخش دختران

اولین نکته‌ای که به ذهن‌ها درباره انتخاب این شغل می‌رسد، واکنش خانواده‌ها به آن است. جالب این که کیانا و نیلوفر هم‌نظر با یکدیگر در این باره می‌گویند: «پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده ما هیچ‌وقت با یادگیری هیچ حرفه‌ای مخالفت نکردند حتی مکانیکی. البته نمی‌دانستند که تصمیم‌مان تا این حد جدی است اما با اعلام موافقت‌شان غافلگیرمان کردند. ماتاثر مثبت این تصمیم را در اطرافیان مان با حمایت‌های‌شان، تشویق‌شان و انرژی مثبتی که به ما دادند، گرفتیم.»

واکنش مشتریان، انگیزه‌دهنده ادامه کار

دور از ذهن نیست که مشتریان با دیدن خانم‌های جوان با دست و صورت روغنی که لباس کار به تن دارند، حیرت‌زده شوند و به دنبال‌اش واکنش‌های مثبت و منفی نشان دهند. کیانا در این باره می‌گوید: «من هیچ نگاه منفی و بد از طرف مشتریان چه زن و چه مرد ندیدم. اتفاقاً در اولین برخورد پر از تحسین‌شان، به ما انرژی مثبت دادند و به ادامه کار تشویق‌مان کردند. جالب است بدانید که خانم‌ها با وجود مادر تعمیرگاه احساس راحتی و دلگرمی بیشتری دارند و تا زمان تمام شدن کار خودروی‌شان با خیال راحت در این محیط نه‌کاملاً مردانه، می‌مانند. مشتریان هیچ نگرانی ندارند که یک زن خودروی آن‌ها را دستکاری می‌کند چون در هر صورت با نظارت اوستا علی‌کاری می‌کنیم.» نیلوفر هم خدا را شاکر است که تا امروز هیچ واکنش منفی جدی را تجربه نکرده، هر چند معتقد است هر کسی با هر جنسیت و سنی و در هر کاری با شرایط و حرف و حدیث‌هایی مواجه می‌شود؛ اما او سعی کرده همه تمرکزش را روی هدفش سرمایه‌گذاری کند و نه در حاشیه‌های بی‌اساس.

مدت‌هاست که توی گاراژیم با سختی‌های شیرینش

مکانیکی جزو آن دسته از کارهایی است که بی‌خطر نیست. یک اشتباه ممکن است برای فرد تعمیر کار، مشکل ساز و حتی باعث قطع عضو... شود. نیلوفر در این باره می‌گوید: «گاهی اوقات حرف‌هایی می‌شنیدیم یا صدمه‌ای می‌دیدیم که پیش خودمان می‌گفتیم کار را بگذاریم کنار و برویم بنشینیم توی خانه تا کمتر از آن ببینیم اما این برای ما چالش بود که فکر کنیم آیا این کار به سلامتی جسم و روان مان، زمان‌مان یا درآمد صفرمان می‌آورد یا نه. اما در نهایت به این نتیجه می‌رسیدیم که هر روز صبح حتی در روزهای تعطیل ما به عشق یک تجربه جدید و باز و بسته کردن یک خودروی

جدید به گاراژ می‌رویم. یک دفعه به خودمان آمدم، دیدیم مدت‌هاست که توی گاراژیم با همه سختی‌های شیرینش. این قضیه باعث شده‌ما را تشویق کنند و از ما خواستند فعالیت‌مان را توی اینستاگرام و ایرال و فضایی را مهیا

کنیم که از ما سوال‌های مکانیکی بکنند و

در حد خودمان آموزش‌هایی را هم درباره کار با خودرو ارائه بدهیم، شاید دیدن کارمان انگیزه‌ای برای بقیه شود تا کاری متفاوت انجام بدهند.» اما برای کیانا همیشه این نگرانی وجود داشته که تا تجربه‌زن بودن‌شان با شرایطی روبه‌رو شوند که گاراژدار با علی‌آقا مجبور شوند مانع ادامه کار آن‌ها شوند. چالش شخصی دیگر کیانا دوری خانه تا محل کارش است.



شاگردانی هستیمنتشنه یادگیری

کیانا و نیلوفر هر روز مثل دو کارآموز در مقام شاگردی اوستا علی‌هامونی حاضر می‌شوند و تشنه یادگیری‌اند و این خودش به‌تنهایی کافی است که استاد همه تجربه چند ساله‌اش را در اختیارشان بگذارد. نیلوفر می‌گوید: «در ابتدای کار ناامایمانی از طرف گاراژدار داشتیم اما چندان جدی نبود. اما کسی که به ما اعتماد کرد علی‌آقا بود چون انگیزه و اشتیاق را در ما دید. وقتی دیدم من حتی برای تعمیر خودروی خودم سه روز به گاراژ می‌روم و با به پای او کار می‌کنم، فهمید عشق کار با خودرو در وجود من نهفته‌است و این شرایط با آمدن کیانا در کنارم خیلی بهتر هم‌شد.» از نظر کیانا، علی‌آقا قابل اعتماد و یکی از تعمیر کارهای کاردرست تهران است و اطمینان دارد تا اوستا شدنش می‌تواند هر آن چهره‌الازم است از او یاد بگیرد.

ظرافت زنانه در کنار قدرت مردانه

کیانا در باره پوشیدن لباس مکانیک، کارها و فعالیت در این شغل می‌گوید: «این کار نه سخت است و نه سنگین. چون

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۹
۱۱ جمادی الثانی ۱۴۴۲ • ۲۵ ژانویه ۲۰۲۱
شماره ۲۰۵۸۳

۱۸۰۳



عکس‌ها از اینترنت فارو

عاشق چالش هر خودرو، یک مشکل هستیم!

گفت‌وگو با ۲ دختر مکانیک که در یک گاراژ تهران مشغول تعمیر خودروها هستند

با پیشرفت فناوری و به‌روز شدن ابزار آلات تعمیرگاهی، تعمیر کار فارغ‌از زن‌بامر دبودنش، فشار کمتری به‌جسم‌اش وارد می‌کند اما در این گاراژ چون آموزش‌ما همچنان سنتی است و هنوز ابزار آلات خیلی پیشرفته نداریم اگر کار سنگینی هم باشد، همکاران مرد از کمک به ما دریغ نمی‌کنند.» نیلوفر هم معتقد است با پیشرفت فناوری به‌نوعی کار زنانه‌ها فقط مردانه، تعریفی دیگر دارد. ابزارها اصلاً مردانه نیستند اما قدرت مردانه می‌خواهد و همین‌زور بازوی مردانه در کنار ظرافت زنانه بوده که باعث شده کار آن‌ها در گاراژ مورد توجه قرار بگیرد ولی در کل هیچ مکانیکی را ندیده که به‌تنهایی بتواند یک موتور را باز و بسته کند چون در هر صورت از جرئت‌قل یا یک‌ک‌های مختلف باید



تصویری از حضور این دو دختر مکانیک در برنامه «فرمول یک» شبکه یک

روزی گاراژ خودمان را می‌زنیم

خواستسته قلبی نیلوفر و کیانا بی‌شک ادامه این مسیر باهمه توان‌شان است. هدف‌نهایی این دو، راه‌اندازی یک گاراژ چند منظوره و استخدام تعمیر کاران زن بیشتر است. راه‌اندازی بخشی هم برای آموزش و برگزاری کارگاه‌های تخصصی و به‌روز که بتوانند خودروها را از شر کت‌های مختلف و کشور‌های دیگر مقایسه و کارشناسی کنند. به گفته نیلوفر، «وقتی کسی کاری را که دوست دارد انجام می‌دهد، متوجه گذر زمان نمی‌شود. کافی است امتحانش کنید تا سرعت پیشرفت‌تان غافلگیرتان کند. وقتی در مسیری هستید که باید باشید کمتر چیزی باعث دل‌سردی شما در ادامه راه خواهد شد. هر روز برای شما با پیشرفت رقم می‌خورد چون انگیزه اصلی شما همان کاری است که دوستش دارید.» کیانا هم معتقد است: «تعمیر کاری مانند علم پزشکی با حقوق است، چون زمان باعث می‌شود با پیشرفت فناوری خودروها به همان نسبت دانش ما هم به‌روز شود. به‌نظر من این کار انتها ندارد، من این پیشرفت را حداقل تا سه چهار سال آینده می‌بینم و هنوز خودم را شاگرد می‌دانم.»

